

Rational Education Style in the Life of the Honest

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Marzieh Taghizadeh Pasandi ¹
Hamid Mohammad Ghasemi ^{2*}
Sayed Ahmad Mirian ³

How to cite this article

Marzieh Taghizadeh Pasandi,
Hamid Mohammad Ghasemi,
Sayed Ahmad Mirian, Rational
Education Style in the Life of the
Honest. *Journal of Islamic Life
Style Centeredon Health*,
2022:6(1); 132-144

1. PhD Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.
2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: ghasemi831@yahoo.com

Article History

Received: 2021/06/06

Accepted: 2021/09/12

ePublished: 2021/09/22

ABSTRACT

Purpose: This dissertation is dedicated to the study of intellectual education from the perspective of Imam Sadeghin (AS).

Materials and Methods: To do this, descriptive analytical method has been used. In this way, by using interpretive, historical books and magazines, researches and researches done on the subject in question, verses and narrations and psychological and sociological topics have been used. This article has been done with the aim of identifying the study and effects of intellectual education based on the biography of the honest (AS).

Findings: The findings of the research indicate that the goals of Imam Sadeghin (AS) in intellectual education have been to overcome the air of the soul, to promote the teachings of the original religion, and so on.

Conclusion: Rational education in the practical life of Imam (AS) has been observed in works such as eliminating epistemological deviations, achieving spiritual perfection and happiness, strengthening religiosity, etc. At the end of this article, suggestions were made regarding the research findings.

Keywords: Rational education, education, intellect, Sira of the honest (AS), Imam Sadegh (AS), Imam Baqir (AS).

سبک تربیت عقلانی در سیره صادقین(ع)

مقدمه

تربیت عقلانی در رایج ترین کاربرد خود بر پرورش عقلانیت و اندیشه آدمی دلالت داشته و دست اندرکاران تربیتی باید به این نکته توجه کنند که نباید بعد عقلانی را در عرض سایر ابعاد وجودی انسان تلقی کرد؛ بلکه باید آن را تنها وجه جدایی انسان از سایر موجودات و محور فعالیت‌هایی دانست که انسانیت انسان را به ظهور می‌رساند (۱). اهمیت تربیت عقلانی به تزکیه نفس و تهذیب روح بوده و این غرض همواره با پرورش و اصلاح عقل همراه است به گونه‌ای که بخش مهمی از ره آورد وحی را توصیه‌های تعقلی و تفکر در امور تشکیل می‌دهد؛ زیرا پرورش عقل، هم پستوانه قانون است و هم مکمل و متمم آن (۲). در اندیشه اسلامی به پرورش جنبه‌های عقلانی در سامان‌دهی به نظام فکری یا ایدئولوژی انسان اهمیت زیادی داده شده است به گونه‌ای که برخی اعتقاد دارند که از ویژگی‌های اصلی تربیت اسلامی تکیه بر عقل و تأکید بر جنبه‌های عقلانی آدمی است (۳).

مطالعه سیره معصومین: به خصوص سیره امامین صادقین(ع) بیانگر آن است که فطرت انسان در آغاز تولد، از هر گونه اطلاعات و تمایلات خالی بوده و با گذشت زمان و نقش بسیار موثر وراثت و محیط اجتماعی در شکل‌گیری شخصیت انسانی، تربیت او نیز شکل می‌گیرد. اما نقش آگاهی در این زمینه، بسیار ممتاز است. به گونه‌ای که می‌توان آن دو عامل را از کارکرد خود بیندازند. در کل، عقل-ورزی، یکی از ویژگی‌های و تمایزات برجسته آدمی نسبت به دیگر موجودات است به گونه‌ای که ارزیابی مقام و شأن آدمی در قرآن به میزان کمال یافتگی عقل و خرد او بستگی دارد. تنها با رویکرد عقلانی است که می‌توان به شکوفایی عقلی در فرایند تربیت دینی، دست یافت هدف دینی، فهم عالمانه، محققانه و تعقلی مسایل دینی و در نتیجه، انجام رفتارهای دینی به گونه‌ای آگاهانه است و رویکرد عقلانی، به تحقق این اهداف کمک خواهد کرد (۴).

تحولات پیچیده دنیای مدرن نظامات تربیتی را با چالش‌هایی جدی مواجه نموده تا جایی که به نظر می‌رسد متریبان در عرصه تعلیم و-تربیت نیازمند گونه‌ای از تربیت هستند که ضمن دربرگیری همه ساحات تربیتی آنان جامعیت لازم را برای رشد همه جانبه و تعالی آنان فراهم آورد. اگر هدف از تربیت را وصول آدمی به سعادت‌مندی و حیات طیبه بدانیم، کسب هرگونه سعادت در گرو تامل و تعقل بوده و انسان با اندیشه‌ورزی و تعقل می‌تواند مسائل پیرامون خود را تحلیل نموده و به معرفتی تعالی بخش دست یابد. بعبارتی رسالت نظامات تربیتی پیش از آن که افزایش محفوظات و معلومات باشد، رشد و آماده‌سازی عقلانی متریبان و آماده‌سازی آنان در مسیر پرچالش دنیای کنونی است (۵).

چرا که پیامد تربیت عقلانی تعدیل و کنترل تمناهای نفسانی، اعتدال در امور و تقید به مکارم اخلاقی خواهد بود (۶). ازین روست که این رویکرد تربیتی در گفتار و مواضع امام باقر(ع) به وضوح نمایان است. به عنوان مثال آن جا که حضرت در تجویزات تربیتی خویش به متریبان از عقل به عنوان ابزار دوری از تکبر یاد می‌کنند اهمیت تربیت عقلانی روشن می‌شود. در کلام امام باقر(ع) عقل وسیله‌ای است که انسان با استفاده از آن بندگی خدا را انجام می‌دهد و بهشت و

مرضیه تقی زاده پاسندی^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

حمید محمد قاسمی^{*۲}

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول).

سید احمد میریان^۳

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

چکیده

هدف: این رساله به بررسی تربیت عقلانی از منظر سیره امامین صادقین(ع) اختصاص دارد.

مواد و روش‌ها: برای انجام آن از روش تحلیلی توصیفی استفاده شده است. به این صورت که با بهره‌گیری از کتاب‌های تفسیری، تاریخی و مجلات، پژوهش‌ها و تحقیقات انجام شده در خصوص موضوع مورد بحث از آیات و روایات و مباحث روان‌شناختی و جامعه-شناختی استفاده شده است. این مقاله با هدف شناسایی بررسی آثار و اهداف تربیت عقلانی با تکیه بر سیره صادقین(ع) به انجام رسیده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که اهدافی که امامین صادقین(ع) در تربیت عقلانی به دنبال آن بوده‌اند شامل چیرگی بر هوای نفس، ترویج آموزه‌های دین اصیل و... بوده است.

نتیجه‌گیری: تربیت عقلانی در سیره عملی امامین(ع) ناظر به آثاری چون زدودن انحرافات معرفتی، دست‌یابی به کمالات معنوی و سعادت مندی، تقویت دینداری و... بوده است. در پایان این مقاله در نسبت با یافته‌های پژوهش، پیشنهاداتی ارائه شد.

واژگان کلیدی: تربیت عقلانی، تربیت، عقل، سیره صادقین(ع)، امام صادق(ع)، امام باقر(ع).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱

* نویسنده مسئول: ghasemi831@yahoo.com

رضوان الهی را کسب می‌نماید و به همین دلیل است که حضرت راه مبارزه با تکبر را نیز در استفاده درست از عقل و کسب شناخت به وسیله آن بیان می‌نماید: «سَدَّ سَبِيلَ الْعُجْبِ بِمَعْرِفَةِ النَّفْسِ» (۷)؛ راه خودپسندی را با خودشناسی ببند. و یا در بیانی دیگر ایشان پرورش نیافتگی و نقص عقل را زمینه ایجاد تکبر برشمرده‌اند: «مَا دَخَلَ قَلْبَ أَمْرٍ شَيْءٌ مِنَ الْكِبْرِ إِلَّا نَقَصَ مِنْ عَقْلِهِ مِثْلَ مَا دَخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ قَلَّ ذَلِكَ أَوْ كَثُرَ».

اهمیت و ضرورت موضوع پژوهش، مجموع اطلاعاتی است که مشخص می‌کند نتایج این تحقیق، تا چه حد برای محقق و نیز تا چه حد برای دیگران مفید و مثمر می‌باشد. ضرورت قابل توجه در مطالعه تربیت عقلانی در سیره صادقین^(ع) آن است که تمامی ساحات تربیت شامل تربیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... از بعد عقلانی برخوردار بوده و مسأله تربیت عقلانی در همه ساحات حاضر است. وجود انسانی، دارای جنبه‌های جسمانی، اجتماعی، روانی، اخلاقی و عقلانی، و تعامل و ارتباط فعال آن‌ها با یکدیگر می‌باشد امانت‌ش تربیت عقلانی در اثرگذاری و غنی‌سازی ساحات وجودی انسان، برجسته و متمایز به نظر می‌رسد. به‌طور کلی عقلانیت، یکی از تمایزات برجسته انسان نسبت به دیگر موجودات است؛ به‌گونه‌ای که ارزیابی جایگاه انسان در قرآن، به میزان تکامل عقلی او بستگی دارد (۸).

از طرفی در متون اسلامی بر لزوم تربیت عقلانی نیز تأکید شده است؛ تا جایی که تقویت جنبه عقلانی سبب هدایت به سمت حقیقت هستی می‌شود و عقل جز در بستر علم نمی‌روید و عالم شدن نیز مستلزم این است که فرد مورد تعلیم قرار گیرد. برای تربیت عقلانی، روش‌هایی در منابع اسلامی ذکر شده است که این روش‌ها توازن عقل را حفظ و راهیابی آن به سمت علم صحیح را میسر می‌سازد (۹). برای روشن شدن جایگاه تفکر و تعقل در اسلام همین بس که اگر اندیشیدن به‌وسیله قلب صورت پذیرد، دارای بالاترین ارزش در میان ارزش‌های اسلامی است (۷). در واقع تأکید اولیای دین بر تربیت عقلانی موجب شده تا بیشترین عبادت بعضی از پیروان ایشان تفکر و تعقل باشد. ارزش‌های عقلی مهمی هم‌چون تفکر منطقی، خلاق، تحلیل‌گر، اکتشافی و انتقادی و ارزش‌های برآمده از تفکر انتقادی، یعنی روشن‌اندیشی، دقیق‌اندیشی، متقن‌اندیشی و هماهنگ‌اندیشی، همگی از ثمرات تربیت مبتنی بر تفکر و تعقل به‌شمار می‌روند (۱۰). بنابراین اهمیت تربیت عقلانی و لزوم مطالعه دقیق آن در سیره صادقین^(ع) از یک سو به جایگاه رفیع تربیت عقلانی در اسلام و از سوی دیگر به اهمیت پرورش ذهن در مواجهه با چالش‌های نوپدید دنیای معاصر برمی‌گردد.

آقایی و شرفی در مقاله‌ای علمی پژوهشی با عنوان «تربیت عقلانی با تأکید بر مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی علامه طباطبایی^(ره)» در پی بررسی عقلانیت، تربیت عقلانی و استنتاج اهداف، اصول و روش‌های تربیت عقلانی مبتنی بر مبانی انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی علامه طباطبایی بودند (۱۱). این پژوهش از جمله طرح‌های تحقیق کیفی است و داده‌ها به شیوه مطالعه تحلیلی - اسنادی گردآوری و طبقه‌بندی شده و اقدام به استنتاج دلالت‌های تربیتی در قالب اهداف، اصول و روش نموده است. بدین ترتیب، ذیل

هدف غایی دست‌یابی به مراتبی از قرب الهی، چند هدف واسطی و اصول و روش‌های ناظر بر آن‌ها مطرح‌نظر قرار گرفته که هدایت و پیروی از حق، ضرورت شناخت مظاهر عقلانیت، ضرورت صیانت از سلامت فطرت و ضرورت کاهش زمینه خطاهای فکری به‌عنوان اهداف واسطی؛ ضرورت تعقل صحیح و تفکر انتقادی، ضرورت پذیرش امام به‌عنوان مربی آگاه و راه‌شناس، ضرورت تقواگرایی و لزوم کنترل قوه خیال و مبارزه با نفوذ شیطان به‌عنوان اصول؛ و ضرورت استقلال فکری و آشنایی با معیارهای حق، ضرورت الگوگیری و الگوسازی از امام، اصلاح عادات نکوهیده و رهایی از غفلت و ضرورت کنترل خیال و آشنایی با طریق منطقی به‌عنوان روش‌های تربیت عقلانی از آن جمله هستند.

دهقان سرخ‌آبادی و کرامتی با توجه به چالش‌های موجود در نظام-های آموزش عالی، و با توجه به اهمیت مراکز تربیت معلم و محوریت نقش مدرسان در آن‌ها، در مقاله‌ای با عنوان «روش‌های آموزشی در سیره رضوی و دلالت‌های آن برای تربیت عقلانی در دانشگاه فرهنگیان» به بررسی روش‌های تربیت عقلانی در سیره رضوی با تأکید بر نقش استادان و روش‌های تدریس ایشان در راستای پرورش تفکر در دانشجو-معلمان پرداختند (۱۲). در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد؛ به نحوی که با مراجعه به منابع معتبر دینی درباره سیره رضوی، اطلاعاتی در زمینه تربیت عقلانی و روش‌های تدریس مناسب برای آن‌ها استخراج شد و سپس مورد توصیف و طبقه‌بندی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش بیانگر پنج روش تدریس شامل: آموزش انفرادی، بحث گروهی، پرسش و پاسخ، مناظره و عبرت‌آموزی بر اساس سیره رضوی است. همچنین کاربرد هر یک از این روش‌ها توسط مدرسان نیازمند برخورداری آن‌ها از مهارت‌های ارتباطی و تدریس خاصی است. براساس نتایج پژوهش تأکید بر مهارت‌های دانشجو-معلمان و استادان به‌عنوان معیاری برای جذب، بررسی مستمر توانمندی‌های فکری نیروهای جذب شده و نیز گنجاندن یک یا چند واحد درسی در زمینه آموزش تفکر، پیشنهاد می‌شود.

فقیهی و ترکشوند در مقاله‌ای علمی پژوهشی با عنوان «جستاری در تربیت عقلانی؛ واکاوی دیدگاه قرآن کریم و اندیشه‌ی امام خمینی قدس سره» به واکاوی دیدگاه قرآن کریم و اندیشه‌ی امام خمینی قدس سره در باره تربیت عقلانی پرداختند (۱۳). در این مقاله که به روش توصیفی تحلیلی انجام شد این‌گونه نتیجه‌گیری شد که رشد، پویایی، استحکام و پیشرفت حیات انسانی براساس بهره‌مندی از فکر صحیح تأمین می‌شود. حیات انسانی حیاتی فکری است و مهم‌ترین وجه تمایز انسان از دیگر حیوانات این است که انسان، حیوانی است متفکر، و زندگی بشر نیز بدون تفکر و تعقل سازمان نمی‌پذیرد. از این رو، لازمه ابتدای حیات بر فکر این است که هر قدر فکر کامل‌تر باشد، استحکام حیات بیشتر است. اما این که قرآن تفکر را اساس و زیربنای تکامل قلمداد کرده است و ریشه تمام مفاسد اجتماعی و فردی را حاکم نبودن عقل می‌داند، خود بهترین دلیل برای اثبات اهمیت تفکر و تعقل نزد قرآن کریم است.

ایران‌منش و رستمی‌نسب در مقاله‌ای با عنوان «روش‌های تربیت عقلانی در صحیفه سجادیه» علمی پژوهشی به بررسی روش‌های

به گرایش‌های هوشیارانه و پژوهش محتاطانه و دقیق می‌داند و برای آن اهداف و روش مطرح می‌کند. دیوبی معتقد است هدف تربیت را باید از جریان تربیتی استخراج نمود و با تحمیل هدف‌هایی که از بیرون بر اشخاص اعمال می‌شود، مخالف است و هدف و وسیله را یکی می‌داند. او هم‌چنین برای تربیت عقلانی روش حل مسئله را مطرح می‌کند. در نتیجه، وجوه اشتراک گفتارهای حضرت علی^(ع) و جان دیوبی دربارهٔ تربیت عقلانی، کم و وجوه افتراق آن‌ها در این زمینه بسیار است.

از دیگر سو اهمیت تحقیق بر موضوع تربیت عقلانی از آن جهت دوچندان می‌شود که در نظام کنونی آموزش و پرورش ایران به‌عنوان یکی از مسائل و رویکردهای جدی در جای‌جای سند تحول آموزش- و پرورش، به قاطبه بسترها و نشانه‌های تعقل به‌طور مستقیم پرداخته شده و در موارد دیگر، دست‌کم، قرابت مضمونی و مفهومی نزدیکی احساس می‌شود نیز در مواردی مخاطبین سند مذکور، نسبت به موانع رشد عقل‌اندار شده‌اند که این امر نمایانگر اهمیت تعقل و تربیت عقلانی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. با این وجود این پژوهش قصد دارد با بررسی دقیق سیره صادقین^(ع) و روایات آن با ارائه‌ی روش‌های موشکافانه و دقیق عوامل رشد و شکوفایی و موانع آن از طریق ارائه راهکارها و راهبردهای مطرح شده در سیره صادقین^(ع) در جهت رشد و شکوفایی تربیت اسلامی در جامعه قدمی بردارد. نظر به اهمیت تربیت عقلانی و نقش آن در تربیت یافتگی ساحت وجودی متربی، مطالعات نگارنده حکایت از آن دارد که علی‌رغم وجود آموزه‌های متعدد برآمده از سیره معصومین: هنوز ادبیات محتوایی در ارتباط با تربیت عقلانی ناکافی بوده و نیازمند تدوین الگوهای در ساحت نظر و عمل می‌باشد. ازین جهت نگارنده بر آن شد تا در قالب این رساله و با نظر به سیره امامین صادقین^(ع) به بررسی اهداف، آثار، موانع و روش‌های شکوفایی تربیت عقلانی اقدام نماید. با این توصیف پرسش اصلی این رساله آن است که تربیت عقلانی در آموزه‌های برآمده از سیره صادقین^(ع) از چه خصوصیات و ویژگی‌هایی برخوردار است؟

سوالات تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

۱. تربیت عقلانی در آموزه‌های برآمده از سیره صادقین^(ع) چیست؟
۲. اهداف و آثار تربیت عقلانی در سیره صادقین^(ع) چیست؟

مواد و روش‌ها

روش مورد استفاده در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای و جستجو در پایگاه‌های اینترنتی و کتابخانه‌های دیجیتال است. روش مورد استفاده در سازمان‌دهی و انجام تحقیق توصیفی - تحلیلی است. به این صورت که با بهره‌گیری از کتاب‌های تفسیری، تاریخی و مجلات، پژوهش‌ها و تحقیقات انجام شده در خصوص موضوع مورد بحث از آیات و روایات و مباحث روان‌شناختی و جامعه‌شناختی استفاده شده است در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از اصول علمی به تبیین و توصیف دقیق مطالب مورد بحث پرداخته شود.

تربیت عقلانی در «صحیفه سجادیه» پرداختند (۱۴). در واقع این تحقیق با هدف بررسی و تبیین روش‌های تربیتی مبتنی بر پرورش بعد عقلانی در «صحیفه سجادیه» و با روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. نتایج تحقیق بیانگر این است که «صحیفه سجادیه» جایگاه فوق‌العاده‌ای برای انسان قابل است. به همین دلیل، برنامه‌ها و روش‌های تربیتی مطمئنی برای تربیت انسان‌ها و سعادت و رستگاری بشر معرفی می‌کند که با به کار بستن آن‌ها، انسان به سوی سعادت واقعی رهنمون می‌شود. در این زمینه، روش‌های تربیت عقلانی از جمله، تزکیه، تعلیم حکمت، مشاهده، عبرت‌آموزی، تجربه‌اندوزی، پرسش و پاسخ و مانند آن از این کتاب استخراج گردیده است. نویسندگان در این مقاله بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که تعلیم و تربیت با رشد و کمال انسان و زندگی شایسته او سروکار دارد. از آنجاکه انسان موجودی است پیچیده، تعلیم و تربیت او نیز پیچیده و مستلزم تهئید مقدمات فراوان و بهره‌گیری از روش‌های تربیتی موثر است. بدین‌روی، برای سامان‌دهی به تعلیم و تربیت، باید از منابع غنی و باارزشی هم‌چون قرآن کریم و اولیای دین و معصومان علیهم‌السلام استفاده کرد.

علوی در مقاله‌ای علمی پژوهشی با عنوان «تربیت عقلانی با توجه به آیات جزء بیست و هفتم قرآن کریم» به بررسی تربیت بعد عقلانی شخصیت انسان در مکتب فلسفی- تربیتی اسلام با توجه به آیات جزء بیست و هفتم قرآن پرداخته است (۱۵). وی به‌منظور وصول به این هدف در قالب تحقیقی کیفی، نظری و کتابخانه‌ای با استفاده از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی، مطالب موردنظر مورد استخراج و استنتاج قرار داد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هر کدام از صفات و خصوصاتی که در این جزء خاص از قرآن کریم برای خداوند تعال ذکر شده‌اند به نوعی می‌توانند پیام ویژه خود را برای مربی و متربی داشته باشند و منزلت معرفت به‌گونه‌ای عظیم و والا معرفی گردیده که برای هر مربی و متربی، انگیزه‌آفرین است. به همین ترتیب، تنها به توصیف چنین ارزشی برای شناخت اکتفا نشده؛ بلکه به نحوه صحیح آموزش و تربیت نیز اشاراتی اساسی گردیده و در این راستا به تشریح در تعلیم و تربیت در قالب صورتی نظیر سوگند، تکرار، تشریح صفات و ویژگی‌ها عنایتی ویژه مبذول شده است.

انصافی مهربانی و مدور در مقاله‌ای علمی پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی تربیت عقلانی از دیدگاه حضرت علی^(ع) و جان دیوبی» به مقایسه تربیت عقلانی در گفتارهای حضرت علی^(ع) و آراء جان دیوبی پرداختند. روش تحقیق، کتابخانه‌ای و براساس روش یکی از برجسته‌ترین محققان تعلیم و تربیت مقایسه‌ی بنام «بردی» استوار بود (۱۶). نتایج مقاله حکایت از آن داشت که با توجه به گفتارهای امیرمومنان^(ع) در این نوشتار می‌توان تربیت عقلانی را رشد و پرورش عقل در دو جنبه نظری و عملی در جهت دستیابی به اهداف معین تعریف کرد. اهداف تربیت عقلانی با توجه به گفتار حضرت علی^(ع) عبارتند از: قرب الهی، علم، ایمان، عمل و روش‌های تربیت عقلانی با توجه به گفتار ایشان عبارتند از: علم‌آموزی، اندیشه‌ورزی، تدبیر، تجربه‌اندوزی، حقیقت‌جویی و تزکیه نفس. جان دیوبی نیز تربیت عقلانی را انتقال کنجکاوی کم و بیش تصادفی و اظهار نظر متفرقه را

یافته‌ها

اهداف تربیت عقلانی در سیره صادقین^(ع)

مقوله تربیت از ابتدایی و اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشری است. نه تنها تربیت لازمه جدایی‌ناپذیر زندگی که متن است و بلکه زندگی از گهواره تا گورش جلوه‌ای از آن است. انسان در پرتو تربیت صحیح است که به عنوان موجودی هدفمند و اندیشه ورز به اهداف و آرمان‌های خود دست یازیده و قله رفیع سعادت مطلوب خویش را فتح می‌کند. در واقع، تربیت فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادها و انسان در جهت مطلوب است (۱۷). تربیت آدمی پیچیده، پردامنه و وقت‌گیر است که همکاری نهادهای مختلف و افراد متعدد و هماهنگی همه و فعالیت‌های مربوط را ایجاب می‌کند. اولین شرط هماهنگی فعالیت‌ها، وحدت هدف و مقصد است که باید برنامه‌ها و فعالیت‌های مربوط را هدایت کند. با اقتباس از دیدگاه علامه جعفری که در فصل گذشته اشاره شد می‌توان گفت مراد از اهداف تربیت عقلانی، حقیقت مطلوبی است که اشتیاق و وصول به آن محرک انسان برای انجام دادن کارها و انتخاب وسیله‌هایی است که آن حقیقت را قابل وصول می‌نماید (۱۸). در این بخش نگارنده در پی آن است تا با مراجعه به سیره امامین صادقین^(ع) به شناسایی اهداف و آثار تربیت عقلانی بپردازد. نکته قابل توجه در این بخش آن است که، هرچند در سیره امامین صادقین^(ع) از اهداف تربیت عقلانی به‌طور مستقیم سخنی به میان نیامده اما به نظر می‌رسد می‌توان از تحلیل سیره ایشان به اهدافی مشخص حول این گونه از تربیت دست یافت. در این بخش بر اساس پژوهش صورت گرفته، اهداف تربیت عقلانی برآمده از سیره امامین صادقین^(ع) در قالب مفاهیمی چون «چیرگی بر هوای نفس، نخبه‌پروری، ترویج آموزه‌های دین اصیل، عبودیت، آزاداندیشی، وصول به مقام شکر و حیات طیبه» قابل تبیین است که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

چیرگی بر هوای نفس

همان گونه که در فصل گذشته عنوان شد، مفهوم «عقل» در اصل از «عقال» که به معنای ریسمان و طنابی است که با آن پای شتر را می‌بندند تا از حرکت باز ایستد و فرار نکند (۱۹، ۲۰). برخی اندیشمندان عقل را به معنی حجر و منع تفسیر کرده‌اند و از طرفی چون در انسان نیرویی است که او را از ارتکاب ناشایست‌ها باز می‌دارد و او را از انجام کارهای زشت نهی می‌کند، از باب تشابه، به این نیروی درونی «عقل» گفته‌اند. دقت و توجه به موارد کاربردهای عقل نشان می‌دهد که مفهوم منع و بازداری در همه موارد وجود دارد. وبه همین جهت طریحی در مجمع البحرین می‌نویسد: عاقل کسی است که می‌تواند نفس خویش را کنترل کند و از هوی و هوس باز دارد (۲۱).

موضوع چیرگی و تسلط بر هوای نفس را می‌توان از اهداف واسطی تربیت عقلانی در سیره امامین صادقین^(ع) نیز مشاهده نمود. از جمله

شواهد موجود در سیره امامین صادقین^(ع) وصیت امام باقر^(ع) نسبت به جابر جعفی می‌باشد. حضرت در این نصایح چیرگی بر هوای نفس را در انحای مختلف آن مورد توجه قرار داده‌اند که از آن جمله می‌توان به ستایش‌ها و نکوهش‌ها اشاره نمود. حضرت در این نصایح به جابر در بیان فلسفه «عدم فرح بر مدح» و «عدم جزع بر ذم» قبل از هر چیز به نگرستن و اندیشیدن (تعقل) دعوت نموده و فرمودند: «بگر و بیندیش در آن چه درباره تو گفته شده است اگر آن چه درباره‌ات گفته شده است در تو هست و عیبی را که از تو گفته‌اند در خود دیدی، بدان که از چشم خدا افتادن در هنگام آشفتن از حرف حق، مصیبتی بزرگ‌تر از سقوط تو از چشمان مردم است که از آن می‌هراسی! و اگر تو برخلاف آن چه درباره‌ات گفته شده است باشی، پس با تهمت ناروا بدون این که رنج بدنی برده باشی ثوابی کسب نموده‌ای» (۲۲). «در ستایش‌ها و نکوهش‌ها باید آن چه را به حق و به جاست پذیرفت. انتقادپذیری انسان و عدم غضب در مذمت وی برای عیبی که در رفتار و گفتار اوست، عامل خشنودی خداست، پس جزع و بی‌تابی از این مذمت‌ها، ناروا و زشت است. در این وصایای امام باقر^(ع) هدف چیرگی بر هوای نفس را در قالب «پنج نه بزرگ» مبتنی بر عقل به جابر بیان داشتند. از این پنج صفت زشت باید دوری کرد و آن‌جا که بستر و زمینه‌اش فراهم شد به آن نه گفت. هوای نفس و شیطان، فرمان به «ظلم در برابر ظلم» و «خیانت در برابر خیانت» و «غضب در هنگام تکذیب» و «فرح در هنگام ستایش» و «جزع در زمان نکوهش» می‌دهند اما فرمان عقل بر ترک این کارها و نه گفتن به خواسته‌های نفسانی است. امام باقر علیه السلام جابر را از این پنج واکنش و عکس‌العمل ناروا باز داشته و به او جسارت خویشترداری در برنامه جهاد اکبر و نه گفتن به این انفعالات نابه‌جا را آموزش داده‌اند.

حضرت در ادامه این نصایح می‌فرمایند: «وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَا عِلْمَ كَطَلَبِ السَّلَامَةِ، وَلَا سَلَامَةَ كَسَلَامَةِ الْقَلْبِ، وَلَا عَقْلَ كِمُخَالَفَةِ الْهُوَى، وَلَا خَوْفَ كَخَوْفِ حَاجِزٍ، وَلَا رَجَاءَ كَرَجَاءِ مُعِينٍ» بدان که هیچ دانشی هم‌چون طلب سلامت نیست و هیچ سلامتی بسان سلامت قلب نیست و هیچ خردی مانند مخالفت با هوس نیست و هیچ ترسی مانند ترس بازدارنده (از گناه) نیست و هیچ امیدیه هم‌چون امید یاری‌دهنده (مشوق) نیست (۲۳). حضرت در فرازی دیگر عقل را راهنمای انسان در مواقع خطر و زیاده‌گویی نفس معرفی فرمودند: «وَوَقَّ مُجَازَفَةَ الْهُوَى بِدَلَالَةِ الْعَقْلِ» و با راهنمایی عقل، خودت را از خطر و گزافه‌گویی نفس حفظ کن» (۷).

رشد عقل در مراحل سلوکی تربیت عقلانی، علم و عمل انسان را عقال، و با بستن پای هوس، شئون ادراکی و تحریکی متربی را تعدیل می‌کند (۲). در واقع در تربیت عقلانی اگر عقل فرد قوی بشود و قدرت تمیز خوب و بد را کسب کند می‌تواند در کنترل غرائز و چیرگی بر هوای نفس دخیل باشد (۲۴). نتیجه سخن آن که چنان چه عاقلان در وجود خود از وحدت و نسبت به جامعه انسانی و عقلانی در وفاق کامل باشند، خواسته‌های درونی آنان تحت نظارت عقل

۱- «وَفَكَّرُ فِيمَا قِيلَ فَيْكُ، فَإِنْ عَرَفْتَ مِنْ نَفْسِكَ مَا قِيلَ فَيْكُ، فَسُقُوطُكَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ عِنْدَ غَضَبِكَ مِنَ الْحَقِّ أَكْبَرُ مِنْ مَصِيبَةٍ مِمَّا خِفْتَ مِنْ سُقُوطِكَ بَدَنِكَ».

عقلانی دینداران زمانه خویش در برابر قرائت‌های ناصحیح از دین اسلام روشننگری نمودند. گزارشات موجود نشان‌دهنده آن است که در عصر امام باقر^(ع) نگرش منفی زهدگرایانه‌ای از سوی جماعتی از زهدفروشان و مقدسان نادان، ترویج و تبلیغات گسترده‌ای برای آن می‌شد. به‌عنوان نمونه، خوردن گوشت را تحریم و از آن اجتناب می‌کردند و این، به نام دین انجام می‌گرفت؛ ولی حضرت باقر^(ع) با این انحراف برخورد و مبارزه کرد و منحرفان را رسوا ساخت و تصویر درستی از اسلام ارائه کرد. عبدالاعلی مولى آل سام می‌گوید: من به امام جعفر صادق^(ع) گفتم: روایتی از رسول‌الله^(ص) میان مسلمانان زبان به زبان نقل می‌شود که آن حضرت فرمود: خداوند تبارک و تعالی از خانه‌ای که در آن گوشت خورده می‌شود، بدش می‌آید. حضرت صادق^(ع) فرمود: آنان که چنین خبری را منتشر می‌سازند، دروغ‌گویان‌اند. حضرت رسول‌الله^(ص) چنین فرموده: خداوند از آن خانه-ای متنفر است که در آن مسلمانان و برادران و خواهران دینی خود را غیبت می‌کنند و گوشت آنان را می‌خورند (اشاره به آیه قرآن که غیبت مسلمان را به خوردن گوشت دیگری تشبیه کرده). سپس امام صادق^(ع) افزود: «کان اَبی لَحْمًا، لَقَدْ ماتَ یومَ ماتَ او فی کَمِّ امِّ وُلْدِه نِلاثونَ درهماً لِلحَمِّ؛ زندگی پدرم بدین سان بود که به خوردن گوشت مِل و عَلاقه داشت، حتی قبل از اینکه از دنیا برود، پولی را به همسرش داده بود تا با آن گوشت بخرد» (۷).

نتیجه آن که در سیره امامین صادقین^(ع) مسأله ترویج آموزه‌های دین اصیل از اهداف تربیت عقلانی متریبان به‌شمار می‌آید. در واقع این دو امام همام در مواجهه عقلانی بر اساس اصول بنیادین اسلامی که در تمام مقررات دینی بروز دارد، متریبان و حتی طرفداران فرقه‌های انحرافی را با استفاده از راهبرد رشد عقلانی به اعتدال و پرهیز از زیاده‌روی و تفریط در تمام امور توجه داده و آنان را متوجه حقیقت دین اصیل یا اسلام ناب نموده‌اند. با این وصف ترویج آموزه‌های دین اصیل می‌تواند به عنوان یکی از اهداف والای تربیت عقلانی در نظامات تعلیم و تربیتی مبتنی بر دین مورد مذاقه قرار گیرد.

آثار تربیت عقلانی

یکی از مهم‌ترین اهداف تربیتی اسلام، پرورش و تقویت عقل و اندیشه است تا در پرتو آن انسان بتواند به عمق و ژرفای مسائل دینی پی ببرد. دعوت مکرر کلام وحی به تفکر و تدبیر، مؤید این معناست. عقلانیت از محورهای تربیتی دین است. قرآن وجه عقلانی وجود انسان را، مورد خطاب و پرسشگری قرار می‌دهد و هدف و غایت بیان آیات را، تدبیر در آن‌ها و رسیدن انسان به مقام خردورزی و فرزاندگی می‌داند. در زبان قرآن، شأن و مقام آدمی، به میزان کمال عقلی او و حیات حقیقی، حیات معقول اوست. تا جایی که تقوی و عبادت، بدون تعقل و تفکر، شأن چندانی ندارد و زندگی غیرعالمانه، تا حد حیوانیت و کمتر از آن تنزل می‌یابد: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبِئْمُ الَّذِینَ لَا یَعْقِلُونَ» (انفال/ ۲۲) انسان مأمور به زندگی عالمانه و پیروی عاقلانه است «وَلَا تَقْفُ مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ کُلُّ أُولَئِکَ کَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء/ ۳۶). تربیت عقلانی در آثار جوادى آملى دارای آثاری است که در جدول ذیل قابل ارائه می‌باشد:

کاملاً تعدیل شده و بیرون از حوزه وحدت درونی، خواسته و خواهشی ندارند که موجب درگیری و تزاخم با خود و دیگران شوند.

ترویج آموزه‌های دین اصیل

از جمله اهداف امامین صادقین^(ع) در تربیت عقلانی مردمان زمانه خویش ترویج و درک مناسب از آموزه‌های دین اصیل بوده است. این مدعا در سیره امام صادق^(ع) در برابر فرقه‌های انحرافی و صوفیان زمانه ایشان کاملاً مشهود است. در واقع حضرت با بهره‌گیری از استعدادهاى عقلانى متریبیانی که به آنان رجوع می‌کردند و مواجهه با سردمداران فرقه‌های انحرافی، ارتقای ادراک آنان از آموزه‌های دین اصیل را مورد توجه قرار داده و تأثیرات ارزنده‌ای بر آنان به-جای گذاشته‌اند. مطالعات حکایت از آن دارد که از جمله گروه‌هایی که در اوایل قرن دوم هجری درون جامعه اسلامی ظهور پیدا کرد، افرادی بودند که خود را زاهد و صوفی می‌نامیدند. این گروه وانمود می‌کردند که راه دین، همان است که ایشان می‌روند و مدعی بودند که انسان به‌طور مطلق باید از نعمت‌های دنیوی دوری جوید و به پشمینه پوشی و پرهیز از بهره‌های دنیوی روی آورد. سفیان ثوری و عباد بن کثیر، دو تن از مشهورترین این افراد بودند. گفتگوی ایشان با امام ع، نگرش امام^(ع) را نسبت به این نوع تفکر و برداشت غلط از آموزه‌های دینی را می‌رساند. راهبرد امام^(ع) در برابر این گروه از مسلمانان، دعوت به عقل‌ورزی، درست اندیشیدن و فهم صحیح از آموزه‌های دینی، و یادآوری وظایف افراد با توجه به جایگاه آنان و تفاوت نقش‌شان در جامعه بود. امام صادق^(ع) می‌کوشیدند با سیره و روش خود به مردم بفهمانند که استفاده از عقل و نعمت‌های دنیوی به مقدار لازم و از راه شرعی آن، نه تنها هیچ ایرادی ندارد، بلکه کاری لازم و ضروری است. هم‌چنین وظایف افراد را با توجه به نقش و موقعیت آنان در جامعه، متفاوت می‌دانستند. حضرت شیوه زندگی رسول خدا^(ص) و امام علی^(ع) را با توجه به نقش آنان و عهده-داری مقام رهبری جامعه توصیف می‌کردند. این نکته قابل‌ذکر است که سفیان ثوری، با این که نگاه متفاوتی نسبت به برخی آموزه‌های دینی داشت، ولی بسیار به حضور امام صادق^(ع) می‌رسید و از ایشان طلب حدیث می‌کرد. نکته مهم دیگر، در برخورد امام با عباد بن کثیر بصری نقل شده است. امام صادق^(ع) در پاسخ به او، پوشیدن لباس شهرت را حرام دانسته و پوشیدن لباس خشن و غیرموسوم را از مصادیق لباس شهرت معرفی می‌کند و آن را از اسباب ریا بر می-شمرد. هم‌چنین امام^(ع) در حدیث مفصلی در برابر برخی همفکران سفیان ثوری، تفکر نادرست آنان را با استدلال‌هایی رد کرده و معارف الهی را در این مورد ارائه داده‌اند. امام^(ع) در این حدیث روشن ساخته که زهد در اسلام، تنها به زحمت انداختن بدن و دوری از دنیا نیست، بلکه تربیت روح و پیروی نفس از دستورهای الهی است که می‌توان آن را همراه با برخورداری از دنیا نیز به دست آورد. زهد حقیقی در پیروی از دستورهای الهی، استفاده بردن از حلال خدا، و دوری جستن از محرّمات اوست.

مسأله ترویج دین اصیل در برابر انحرافات موجود در سیره امام باقر^(ع) نیز کاملاً مشهود است. حضرت با استفاده از رویکرد تربیت

جدول ۱. آثار تربیت عقلانی از منظر آیت الله جوادی آملی	
مفهوم تربیت عقلانی	آثار
تزکیه نفس و تهذیب روح	اصلاح عقل، پشتوانه قانون
محبت راستین	حبیب الله، دوری از وهم و خیال، دوری از شهوت و غضب، خیانت نکردن، غاصب نبودن، رعایت حقوق خود و دیگران
حق محوری	تدبیر نظام اجتماعی، جهان دانی، جهان داری و جهان آرای
حق مداری	پیروی از قانون و احترام به مردم، ایمان و عمل
حیات حقیقی (وحدت درونی)	از بین رفتن تفرقه، تشتت و پراکندگی درونی
عدل محوری	دوری از هوی و هوس مداری
دوری از شهوت و غضب	رعایت حقوق خود، دوری از وهم و خیال

با این توصیف باید دید در سیره امامین صادقین^(ع) چه آثاری می‌توان برای تربیت عقلانی متصور شد. مطالعات حکایت از آن دارند که آثار تربیت عقلانی را می‌توان در قالب مقولاتی چون «آزاد اندیشی و عقلانیت، مهرورزی و حسن خلق، شادی پایدار، دریافت حکمت و معرفت، دستیابی به کمالات معنوی و سعادت‌مندی، ولایت-پذیری و ولایت‌مداری و تقویت دین‌داری» صورت‌بندی نمود.

زدودن انحرافات معرفتی

زدودن انحرافات معرفتی را می‌توان از جمله آثار تربیت عقلانی در سیره امامین صادقین^(ع) ۸ معرفی کرد. نشانه‌های این اثر معرفتی را می‌توان در مواجهه امامین صادقین^(ع) با حکومت‌های جور و فاسد مروانی مشاهده نمود. در شیوه و راهبرد تربیت عقلانی امامین صادقین^(ع) دو نکته اساسی نهفته بود؛ یکی اینکه حاکم همان کسی است که به علم و دانش دین آگاهی دارد و کسی که در تفقه در دین ضعیف و ناتوان است نمی‌تواند حاکم جامعه اسلامی باشد؛ چنان‌که امام باقر^(ع) در روایتی می‌فرماید: «إِنَّمَا مَثَلُ السَّلَاحِ فِينَا مَثَلُ التَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ حَيْثُمَا دَارَ التَّابُوتِ أَوْتُوا النُّبُوَّةَ وَ حَيْثُمَا دَارَ السَّلَاحِ فِينَا قَتِمَ الْأَمْرُ قُلْتُ فَيَكُونُ السَّلَاحُ مِزَانًا لِلْعِلْمِ قَالَ لَا» ما دانستان سلاح در خاندان ما، دانستان تابوت است در بنی‌اسرائیل، هر کجا تابوت دور می‌زد، نبوت عطا می‌شد و در میان ما هر کجا سلاح دور زد، امر امامت آنجا است، عرض کردم: سلاح از علم جدا می‌شود؟ (ممکن است سلاح بدست کسی افتد که علم امامت نداشته باشد) فرمود: نه (۲۵). شاهد این جاست که وقتی راوی از امام می‌پرسد آیا می‌شود سلاح در جایی باشد که علم در آنجا نیست؟ امام می‌فرماید: خیر. یا امام صادق^(ع) می‌فرماید: «يَا أَبَا الصَّبَّاحِ نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا لَنَا الْأَنْفَالِ وَ لَنَا صَفْوُ الْأَمَالِ وَ نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ

الْمَحْسُودُونَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (۲۶). نکته دوم این که تربیت علمی و عقلانی امام صادق^(ع) با اشارت دادن به مسأله عقل و راسخون فی العلم، تحریف‌های علمای درباری اموی و عباسی را که با تفسیر به رأی آیات قرآن مجید و استحسان و قیاس در فتاوی فقهی مقرون بود نمایان می‌ساخت و بدین‌سان اعتبار فقه و تفسیر آنان را از بین می‌برد، از این رو خلفای عباسی سخت از مکتب تربیتی امام صادق^(ع) می‌ترسیدند و آن را تهدید و مبارزه‌ای برای از بین بردن مقبولیت حکومت خود می‌پنداشتند. درس‌های امام صادق^(ع) هم بی‌نصبی دستگاه حکومت را از آگاهی دینی اثبات می‌کرد و صلاحیت خلیفه را برای تصدی خلافت زیر سوال می‌برد و هم تحریفات‌شان را آشکار می‌ساخت، بنابراین در دل تربیت عقلانی امام صادق^(ع) نهضت سیاسی مهمی نهفته بود که یکی از آثارش زدودن انحرافات معرفتی از جامعه بود.

در نقلی دیگر امام صادق^(ع) در برابر اندیشه‌های قدریه و نیز مفوضه، با استفاده از استدلال‌ات عقلانی و نقلانی در مواضع مختلفی، متناسب با مخاطب، به تربیت عقلانی آنان پرداخت. امام به صراحت فرمود: «اگر بندگان مجبور بر انجام اعمال باشند ثواب بی معنا و عقاب ظلم خواهد بود و بهشت و جهنم، بیهوده» (۲۷). توضیح آن که از منظر امام نیک‌وید عمل هر فرد باید متناسب با عقل و اختیار خودش باشد نه آن که خدا کسی را امر ما لا یطاق کرده باشد. حضرت با این روش عقلانی و با نشان دادن تناقض‌های عقلی و مخالفت قول به جبر برخی از اصول اعتقادی، آن را به چالش می‌کشید (۲۸).

نکته مهم دیگر در سیره امام صادق^(ع) این است که حضرت در همه حال برای تربیت عقلانی به گفت‌وگو با مخالفان نپرداخته و تغییر راهبرد نیز می‌دادند. به عنوان مثال مواضع ایشان در برابر غالیان نشانگر نوع دیگری از عقلانیت است. از جمله راهکارها و اقدامات امام صادق^(ع) در برابر جریان فکری غلات، دور کردن شیعیان از آنان بود، چرا که ارتباط با پیروان این مکاتب موجب می‌شد کسانی از شیعه به‌سوی غلو کشیده شوند، به ویژه که غالیان به دروغ خود را مرتبط با ائمه^(ع) معرفی کرده و در برابر تکذیب ایشان اظهار می‌کردند که این تکذیب، از روی تقیه بوده است. این امر در فریب شیعیان ساده دل مؤثر بود، از این رو امام صادق^(ع) نه تنها یاران خود را از گرایش به این تفکر باز می‌داشت، بلکه نسبت به نزدیک شدن جوانان به این گروه نیز اعلام خطر می‌کرد. در روایتی از امام صادق^(ع) نقل شده که فرمودند: «جوانان تان را از غلات برحذر دارید که آن‌ها را فاسد نکنند، زیرا غلات بدترین مخلوقات خدایند، چرا که عظمت الهی را کوچک شمرده و برای بندگان خدا ادعای ربوبیت می‌کنند. سپس فرمودند: غالی به سوی ما می‌آید، ولی ما او را نمی‌پذیریم و قبول نمی‌کنیم، ولی مقصر به ما می‌پیوندد» (۲۹).

از جمله راهکارهای امام صادق^(ع) برای طرد غلات از جامعه شیعه، میزان قرار دادن کتاب خدا برای سنجش روایات و گفته‌های نقل شده از شیعیان بود که عقاید غالیان را انکار می‌کرد. امام^(ع) برای آن که شیعیان بتوانند قدرت نقد احادیث متعارض را که بسیاری از آن‌ها ساخته غالیان بود پیدا کنند، «قرآن» را به عنوان ملاک درستی گفته‌ها معین کردند. از جمله فرمودند: «آن‌چه را که از ما روایت می‌کنند، جز آن که موافق کتاب خدا و رسول خدا^(ص) بوده و یا

شاهدی از سخنان پیشین ما بر آن‌ها داشته بپذیرید. مغیره بن سعید که خداوند او را لعنت کند، در کتب پدرم احادیثی را وارد کرد که هرگز از پدرم نبود. از خداوند بترسید و آن چه را از ما نقل کرده و مخالف قول خدا و پیامبر ماست قبول نکنید. ما وقتی نقل می‌کنیم، می‌گوییم خداوند یا رسول خدا^(ص) فرمود: «(۳۰، ۳۱ و ۳۲)».

از سیره امامین صادقین^(ع) چنین استفاده می‌شود که آن بزرگواران در تربیت عقلانی متربیبان در پی سازندگی فکری و سازمان‌دهی عقلانی مکتب بوده و مواضع آنان را در برابر انحرافات معرفتی کاملاً نمایان است. از طرفی تاکید آن دو امام همام بر استفاده از شیوه‌های عقلانی در تربیت یاران‌شان نشانگر اثرپذیری جامعه در مسیر زدودن انحرافات معرفتی است. نکته مهم آن که امامین صادقین^(ع) از دو راهبرد پرهیزی و ایجابی در برابر انحرافات عقیدتی و معرفتی در تربیت عقلانی بهره می‌بردند. با این وصف جامعه کنونی اگر پرهیز از انحرافات معرفتی را مدنظر دارد باید بر آن شود تا در نظامات تعلیمی و تربیتی خویش مساله تربیت عقلانی را جدی لحاظ نماید.

دستیابی به کمالات معنوی و سعادت‌مندی

اهمیت تربیت عقلانی در دستیابی به کمالات معنوی و سعادت‌مندی تا بدان جاست که در قرآن پلیدی و کفر را از آثار دوری از عقل و تعقل برشمرده است: «وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ؛ او پلیدی (کفر و گناه) را بر کسانی قرار می‌دهد که نمی‌اندیشند». عبارتی همان‌طور که مؤمن با به‌کارگیری عقل و خرد به کمالات دست می‌یابد و از گناهان پرهیز می‌کند غیرمؤمن به دلیل غفلت و عدم به‌کارگیری عقل و خرد مرتکب گناه و معصیت و نافرمانی از خدا می‌شود. بنابراین دستیابی به کمالات معنوی و رشد اخلاقی از ثمره‌های تربیت عقلانی است و بدون تعقل و به‌کارگیری عقل سلیم نه‌تنها انسان به کمال نمی‌رسد، بلکه چه‌بسا راه سقوط را خواهد پیمود.

از منظر امامین صادقین^(ع) دستیابی به کمالات معنوی از برکات و آثار تربیت عقلانی است. بدین معنا که عدم تربیت عقلانی موجب برداشته شدن وجه تمایز انسان با سایر موجودات می‌گردد. این رشد در نوع نگاه و دیدگاه انسان و هم‌چنین ایجاد بصیرت دینی نقش مهمی را ایفا می‌کند. می‌توان گفت رشد عقلانی در شناخت ارزش‌های اخلاقی و عمل به آن نیز مؤثر است. به واسطه عقل و خرد می‌توان خیر و شر و حق و باطل را شناسایی و آن‌ها را از هم تمیز داد و در نتیجه انسان هدایت شده و ایمان و تقوا در او شکل می‌گیرد. از منظر حضرت انسان ذیل سایه تربیت عقلانی به راهبری صحیح خواهد رسید: «العقل دليل المؤمن» (۷)؛ «خرد راهبر مؤمن است». با این وجود می‌توان ادعا نمود که از نتایج تربیت عقلانی، دستیابی به کمالات معنوی بوده و هرکس به تناسب رشد عقلی خود به کمال معنوی دست می‌یابد. عقل می‌تواند به عنوان بهترین راهنما رهروان خود را به مقصد برساند.

امام صادق^(ع) در مواجهه با مفضل بن عمر از اصحاب برجسته خود سعادت‌مندی را در گرو بهره‌گیری از تعقل معرفی می‌فرماید: «يَا مُفَضَّلُ لَا يَفْلِحُ مَنْ لَا يَعْقِلُ»؛ (۲۹)؛ ای مفضل کسی که تعقل نکند

رستگار نگردد». امام صادق^(ع) در خطبه‌ای دیگر در باب تعقل و اندیشیدن به مفضل می‌فرماید: «يَا مُفَضَّلُ لَا يَفْلِحُ مَنْ لَا يَعْقِلُ وَلَا يَعْقِلُ مَنْ لَا يَعْلَمُ وَ سَوْفَ يَنْجِبُ مَنْ يَفْهَمُ وَ يَفْطُرُ مَنْ يَحْلُمُ وَ الْعِلْمُ جَنَّةٌ وَ الصَّدَقُ عِزٌّ وَ الْجَهْلُ ذُلٌّ وَ الْفَهْمُ مَجْدٌ». ای مفضل کسی که تعقل نکند رستگار و سعادت‌مند نگردد و تعقل نکند کسی که نداند، کسی که بفهمد نجیب می‌شود، کسی که صبر کند پیروز شود، دانش سپر بدبختی است و راستی عزت است و نادانی ذلت، فهمیدن بزرگواری و سخاوت کامیابی و خوش خلقی دوستی آورنده است، کسی که باوضوح زمانش آگاه باشد اشتباهات بر او هجوم نیاورد، دوراندیشی همان بدبینی است واسطه بین انسان و رسیدن بحقیقت نعمت وجود عالم است و نادان در این میان بدبخت است، خدا دوست کسی است که او را شناخت و دشمن آن که خود سرانه خویش را در زحمت شناسائیش انداخت خردمند عیبپوش است و نادان فریبنده اگر خواهی بزرگواری باش و اگر خواهی خوار شوی درشتی کن. شریف طینت نرم دل است بد اصل سخت دل کسی که کوتاهی کند پیرنگاه افتد و کسی که از عاقبت بیم کند از نسنجیده کاری سالم ماند، کسی که ندانسته و ناگاه بکاری در آید بینی خود را بریده است (خود را بنهایت خواری و مذلت انداخته است). هر که نداند نفهمد و هر که نفهمد سالم نماند و آن که سالم نماند عزیز نگردد و هر که عزیز نگردد خرد شود و آن که خرد شود سرزنش شود و هر کس چنین باشد سزاوار است که پشیمان شود (۳۲).

این دیدگاه در حدیث عقل و جهل نیز مشهود است. از منظر امام صادق^(ع)، انسان کامل کسی است که تمام صفات هفتاد و پنج‌گانه عقل را دارا می‌باشد و انسان‌های دیگر می‌توانند از طریق ارتقاء علم و آگاهی و بصیرت، وجود خویش را از جنود جهل پاک کنند و با پیامبران و اوصیای آن‌ها در مقام‌های همراه شوند. امام صادق^(ع) در نقلی دیگر می‌فرماید: «فَلَا يَجْتَمِعُ هَذِهِ الْخِصَالُ كُلُّهَا مِنْ أَجْنَادِ الْعَقْلِ إِلَّا فِي نَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ أَوْ مُؤْمِنٍ قَدْ آمَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَأَمَّا سَائِرُ ذَلِكَ مِنْ مَوَالِينَا فَإِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهِ بَعْضُ هَذِهِ الْجُنُودِ حَتَّى يَسْتَكْمَلَ وَيَنْقِي مِنْ جُنُودِ الْجَهْلِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَكُونُ فِي الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ» (۳۳)؛ پس تمام این صفات (هفتاد و پنج‌گانه) که لشکریان عقلمند جز در پیغمبر و جانشین او و مؤمنی که خدا دلش را به ایمان آزموده جمع نشود اما دوستان دیگر ما برخی از این‌ها را دارند تا تدریجاً همه را دریابند و از لشکریان جهل پاک شوند آنگاه با پیغمبران و اوصیای‌شان در مقام‌های همراه شوند.

نکته قابل توجه در روایات فوق این است که جنود عقل در بستر تربیت عقلانی به‌طور همزمان به مساله ارتقاء علم و آگاهی، بصیرت و معنویت می‌نگرد و این همراهی ساحات تربیتی در تربیت عقلانی و طی نمودن مراتب عقلی موجب می‌شود تا از دستیابی مدام به کمالات معنوی باز نماند. از جمله برکات و آثاری که تربیت عقلانی متوجه متربیبان خود می‌نماید درخشندگی و عظمت خاصی است که

در سایه دست‌یابی به کمالات معنوی متوجه مرتب‌ان خواهد نمود. جایگاهی این چنین در سیره امامین صادقین^(ع) مشهود است. از منظر امامین صادقین^(ع) پشتیبان انسان، عقل است. از عقل، زیرکی، فهم، بردباری و دانش حاصل آید؛ با عقل به کمال می‌رسد و همو راهنما، بیناکننده و کلیدکارها است. اگر بنیان عقل از روشنی باشد، آدمی دانشمند، حافظ، اهل ذکر، زیرک و فهیم خواهد بود و پاسخ چگونگی، چرا و کجا را بداند و خیرخواهان را از دغل‌کاران باز شناسد. اگر این‌ها را دانست، مسیر حرکت و وصل و فصلش را نیز خواهد شناخت و به توحید خالص رسد و به طاعت خداوند اقرار کند. اگر چنین شد، از دست رفته‌ها را جبران کند و برآینده سوار باشد، موقعیت خویش را درک کند و بداند چرا در دنیا زندگی می‌کند و از کجا آمده و به کجا خواهد رفت و این همه در پرتو خرد است.^۱

بنابراین در سیره صادقین^(ع) دست‌یابی به کمالات معنوی و سعادت-مندی را می‌توان از آثار تربیت عقلانی محسوب کرد. از طرفی در سیره آن دو امام همام نحوه برخورداری از آثار تربیت عقلانی در نسبت با رشد مراتب عقلی متفاوت خواهد بود. بعبارتی مرتب‌ان در دست‌یابی به کمالات معنوی بهره‌یکسان نداشته و سیاست‌گذاران تربیتی باید به تفاوت در عقول و موقعیت تربیتی و استعدادهای متفاوت عقلی مرتب‌ان دقت نموده و انتظارات یکسان از مرتب‌ان نداشته باشند.

تقویت دین‌داری

از دیگر آثار تربیت عقلانی در سیره امامین صادقین^(ع) تقویت دین‌داری مرتب‌ان است. عقل و تربیت عقلانی در نظرگاه امامین صادقین^(ع) از جایگاهی ویژه برخوردار است. برای نمونه می‌توان به گفتگوی امام صادق^(ع) با یکی از باران‌شان اشاره کرد: «یکی از صحابی امام از همسایه خود تعریف کرده و می‌گوید: وی فردی است که بسیار نماز می‌گزارد، کثیرالصدقه است و زیاد به حج می‌رود. امام این موارد را برای مسلمانی او کافی نمی‌داند و از عقل او سوال می‌کند: «کیف عقله؟» و وقتی صحابی امام صادق^(ع) جواب می‌دهد: «لَیسَ لَهُ عَقْلٌ»، جواب امام چنین است: «لَا یَرْتَفِعُ بِذَٰلِکَ مِنْهُ»، این کارها و عبادات او را بالا نمی‌برد و اوج نمی‌گیرد» (۳۴). در این روایت دین‌داری و طی مسیر ایمانی بدون پرورش عقل میسر نبوده و دین‌داری وقتی تقویت خواهد شد که متأثر از عقل انسان حرکت نماید. در جای-جای مواضع امام صادق^(ع) نقش عقل و تربیت عقلانی در دعوت به دین مشهود است. در واقع حضرت در بستری عقلانی، با الگو قرار دادن قرآن از شیوه دعوت به اصل فطرت و بی‌بردن از اثر به مؤثر و از خالق به مخلوق، که اکثریت مردم آن را درک می‌کنند، استفاده

می‌کردند. مبنای گفتگوی امام صادق^(ع) با اندیشمندان غیردینی، براساس اصل توحید، برخورد هدایت‌گرایانه و جدال با دلایل احسن بود. حضرت در مسیر تربیت دینی با تأکید بر اهمیت و آثار عقل مردم را چنین مورد خطاب قرار داده‌اند: «اگر مردم اهمیت خداشناسی را می‌دانستند، چشم خود را به نعمت‌های دنیوی که خداوند به دشمنان نیز ارزانی داشته نمی‌دوختند و دنیای آنان در نزدشان کوچک‌تر از آن بود که قدمی برای آن بردارند. اینان به تحقیق از معرفت خداوند بهره‌مند می‌شدند و از آن لذت می‌بردند» (۲۵).

حضرت امام محمد باقر^(ع) در نقلی خطاب به میسر از نشانه‌های شیعیان اشاره فرموده و دارا بودن عقل‌های وزین و متین را از نشانه‌های آنان برشمرده‌اند: «ای میسر، آیا شیعیان مان را به تو معرفی کنیم؟ عرض کردم: فدایت شوم بفرمایید. حضرت فرمود: آن‌ها دژهای محکم و سینه‌های امانتدار و صاحبان عقل‌های وزین و متین هستند، شایعه‌پراکنی نمی‌کنند و اسرار را فاش نمی‌کنند و آدم‌های خشک و خشن و ریاکار هم نیستند، راهبان شب و شب‌زنده‌داران و شیران روزند» (۷). با تأمل و تعمق در این فراز از می‌توان به نقش کلیدی عقلانیت و تربیت عقلانی در دیگر صفات و ویژگی‌های دینداران به خصوص تشیع در شکوفایی آموزه‌های شیعی و بسط و گسترش آن در جوامع بشری رهنمون گردید.

امام صادق^(ع) نیز در روایتی دیگر دین‌داری را بهره و ثمره عقل برشمرده و می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دینٌ، وَمَنْ كَانَ لَهُ دینٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ»؛ (۳۳)؛ «هر که عاقل است دین دارد و کسی که دین دارد به بهشت می‌رود». از این روایت می‌توان استنباط نمود که در تربیت عقلانی نسبتی وثیق میان رشد عقل و دین‌داری برقرار بوده و تقابل دوگانه‌ی عقل و دین از اساس باطل بوده و میان دیندار بودن مرتب‌ان و عاقل بودن آنان تعارضی وجود ندارد. در روایت فوق امام امام صادق^(ع) نسبت و رابطه عقل و دین را یادآور می‌شود، بین آن دو وحدت و یگانگی قائل است؛ به نحوی آن‌چه با عقل دریافت می‌شود با تعالیم دینی از یک حقیقت برخوردارند یعنی بین تعالیم دینی و موازین عقلی تنافی و ناسازگاری وجود ندارد، لذا عقل عامل دین‌شناسی و دین‌داری انسان است و آدمی را به بهشت نایل می‌سازد. این روایت به روشنی بر جدایی ناپذیری دین از عقل دلالت دارد و روایت پیامبر^(ص) که فرمودند: «لَا دینَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ» (۳۰)؛ کسی که از عقل بهره‌ای ندارد دین ندارد. به وضوح از نقش عقل در دین‌داری، یعنی شناخت تعالیم دینی و تعلق علمی و عملی به آن، حکایت می‌نماید. به تناسب میزان رشد عقل، ایمان نیز افزایش می‌یابد و در صورت کاهش یا عدم رشد عقلانی از درجه ایمان نیز کاسته می‌شود. بنابراین میان عقلانیت و ایمان رابطه‌ی دو سویه برقرار است.

۱ - دَعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ وَالْعَقْلُ مِنْهُ الْقِطْعَةُ وَالْفَهْمُ وَالْحِفْظُ وَالْعِلْمُ وَالْبَعْلُ بِكَمَلٍ وَهُوَ دَلِيلُهُ وَمُبْصِرُهُ وَمَفْتَحُ أَمْرِهِ فَإِذَا كَانَ تَأْيِيدَ عَقْلِهِ مِنَ النُّورِ كَانَ عَالِمًا حَافِظًا ذَاكِرًا قَطْنًا فَهِيمًا فَعَلِمَ بِذَلِكَ كَيْفَ وَ لَمْ وَ حَيْثُ وَ عَرَفَ مِنْ نَصَحَةٍ وَ مِنْ غُشَّةٍ، فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ عَرَفَ مَجْرَاهُ وَ مَوْصُولَهُ وَ مَفْصُولَهُ وَ أَخْلَصَ الْوَحْدَانِيَّةَ لِلَّهِ وَ الْإِقْرَارَ بِالطَّاعَةِ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مُسْتَدْرِكًا لِمَا فَاتَ وَ وَارِدًا عَلَى مَا هُوَ آتٍ يَعْرِفُ

تَأْيِيدَ الْعَقْلِ (الكافي، ج ۱: ۲۵).
 ۲ - «يَا مَيَسَّرُ أَلَا أَخْبَرَكَ بِشَيْعَتِنَا؟ قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ: إِنَّهُمْ حُصُونُ حَصِينَةٍ وَ صُدُورُ أَمِينَةٍ وَ أَحْلَامُ وَزِينَةٍ لَيْسُوا بِالْمَدْيِعِ الْبَدْرِ وَلَا بِالْجَفَاتِ الْمَرَاعِينِ رُهْبَانَ بِاللَّيْلِ اسْدُ بِالنَّهَارِ»

نتیجه‌گیری

هدف از انجام این مقاله تربیت عقلانی در سیره امامین صادقین (ع) بوده است. پیش فرض نگارنده آن بود که مراجعه به سیره صادقین (ع) عواملی را در تربیت عقلانی نمایان می‌کند که می‌توان از آن در نظام‌سازی تعلیم و تربیت دینی استفاده کرد. این مقاله از دو پرسش تشکیل شده است.

در خصوص سوال اول پژوهش نتایج نشان می‌دهند که در تربیت عقلانی برآمده از سیره صادقین (ع) می‌توان اهداف و آثار متعددی را استنباط نمود. به عنوان مثال حضرات صادقین (ع) در نظام تربیتی خود با رشد دهی عقلانیت متریبان و اصحاب خاص خود به دنبال اهدافی چون «چیرگی بر هوای نفس، نخبه پروری، ترویج آموزه‌های دین اصیل، عبودیت، آزاداندیشی، وصول به مقام شکر و حیات طیبه» بوده‌اند. در سیره صادقین (ع) هدف از تربیت عقلانی چیرگی بر هوای نفس بوده و اگر عقل متربی قوی بشود و قدرت تمیز خوب و بد را کسب کند می‌تواند در کنترل غرائز و چیرگی بر هوای نفس دخیل باشد. از طرفی نتایج حکایت از آن دارد که نخبه‌پروری در سیره صادقین (ع) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و امامین (ع) با هدف محفوظ نگاه داشتن معارف قرآن و اهل‌البیت: و رشد عقلی جامعه و مبارزه با انحرافات حوزه دین به تربیت نخبگان اقدام نموده‌اند. هدف دیگر از تربیت عقلانی در سیره صادقین (ع) ترویج آموزه‌های دین اصیل بود تا با استفاده از رویکرد تربیت عقلانی دینداران زمانه خویش را در برابر قرائت‌های ناصحیح از دین اسلام بیمه نمایند. از نتایج قابل توجه این رساله این بود که در سیره امامین (ع) هدف از تربیت عقلانی وصول به ساحت عبودیت بوده و سیره مذکور نشان داده است که عقل تربیت یافته متریبان غایتی جز عبودیت خداوند نخواهد داشت. هدف کلیدی دیگر در تربیت عقلانی ترویج آزاداندیشی در جامعه و رشد عقلانیت جمعی است. امامین صادقین (ع) با استفاده از راهبردهای متنوعی هم‌چون هدایت تدریجی از راه جدل و برهان، برپایی مناظرات، فرصت‌دهی به مخالفان و پرورش شاگردان اهل‌نظرورزی و تعقل هدف آزاداندیشی و به تبع آن تولید عقلانیت جمعی را هدف گرفته‌اند.

از دیگر سو نتایج نشان داده‌اند که برای تربیت عقلانی در سیره آن دو امام همام می‌توان آثار متعددی شامل «زدودن انحرافات معرفتی، مهرورزی و حسن خلق، شادی پایدار، نیل به حکمت و معرفت، دست‌یابی به کمالات معنوی و سعادت‌مندی، تحقق ولایت خدا و اولی الامر و تقویت دین‌داری» متصور شد. نزد امامین صادقین (ع) زدودن انحرافات معرفتی جزو آثار تربیت عقلانی بوده و آن دو امام همام در این طریق، در پی سازندگی فکری و سازمان‌دهی عقلانی مکتب بوده‌اند. از طرفی دیگر از منظر مذکور مهرورزی و حسن خلق است ثمره عقلی است که در اثر تربیت عقلانی به حد کمال رسیده باشد. دیگر نتیجه این بخش نیل به حکمت و معرفت به عنوان اثر تربیت عقلانی از منظر صادقین (ع) است. در سیره امامین (ع) متربی به واسطه تربیت عقلانی به تکلیف خود آگاهی یافته و ضمن عمل به آن به

از دیدگاه امام صادق (ع) دینداری و عبادت بدون تعقل و تفکر هیچ ارزشی ندارد و ملاک ارزش اعتقادات دینی و مذهبی نیز تعقل و استدلال افراد است به طوری که تقلید در اصول دین منع شده و هرکس که عقل به معنای واقعی را دارد، لاجرم دین نیز خواهد داشت و دینداری ناشی از تعقل است که انسان را به بهشت و رضوان الهی، که همان رشد و کمال مورد انتظار نوع بشر است، رهنمون می‌شود. امام صادق در این زمینه می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ وَ مَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ». هر که عاقل است دین دارد و کسی که دین دارد به بهشت می‌رود (۳۲).

اسحاق بن عمار نقل می‌کند که به امام صادق (ع) عرض کردم: قربانت گردم من همسایه‌ای دارم که نماز خواندن و صدقه دادن و حج رفتن بسیار است و عیب ظاهری ندارد فرمود عقلش چطور است گفتم: عقل درستی ندارد فرمود: پس با آن اعمال درجه اش بالا نمی‌رود (۳۴). همان‌طور که گفته شد، از امام صادق (ع) احادیث زیادی در باب تفکر و اندیشیدن نقل شده که نشان دهنده اهمیت این موضوع از دیدگاه ایشان می‌باشد. در جایی دیگر آمده است: «حسن صیقل از امام صادق پرسید: یک ساعت اندیشیدن بهتر از یک شب عبادت کردن است؟ حضرت فرمود آری رسول خدا (ص) فرموده است: ساعتی اندیشیدن بهتر است از شما را به عبادت گذراندن. عرض کردم چگونه باید اندیشید؟ فرمود: به ویرانه‌ها بروید و بگویید: کجایند سازندگان شما کجایند ساکنان شما چه شده است که سخن نمی‌گویند (۳۷). از این روایات می‌توان این گونه برداشت نمود که حضرت ضمن هشدار به عبادت بدون تفکر، از روشی اندیشه‌محور در تربیت عقلانی که عبرت آموزی از ویرانه‌هاست سخن می‌گویند. نکته مهم در تربیت عقلانی آن است که عقل ابزاری واسطه‌ای برای ارتباط با انبیا و اولیای الهی و مکمل و متمم امر ایمانی است. بدین جهت امام صادق (ع) فرمود: «حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّبِيُّ وَ الْحُجَّةُ بَيْنَ بَيْنِ الْعِبَادِ وَ بَيْنَ اللَّهِ الْعَقْلُ» (۳۲)؛ «حجت خدا بر بندگان، پیامبر است و حجت میان بندگان و خدا عقل است».

در شواهدی که ذکر شد، تقویت دین‌داری را می‌توان از آثار تربی عقلانی برشمرد. در واقع آن‌گونه که در سیره صادقین (ع) آمده است، انسان‌ها با تربیت و رشد عقل به معرفت‌حسن و قبیح اعمال و مراتب بالای شریعت می‌رسند. کسی که عقل را به کار گیرد طغیان نمی‌کند و عقل نیز غیرمصلحت را به صورت مصلحت‌تزیین نمی‌کند و در نقش حجت باطنی است انسان را به خدا و دین و شریعت می‌رساند. زیرا اساس هر دین الهی، اثبات خدا و نبوت است و این هر دو موضوع با عقل به اثبات می‌رسد. از سوی دیگر پس از آن که حجیت دین روشن شد، عقل و جوب پیروی از خدا و رسولش را نشان می‌دهد. نتیجه سخن آن که در تربیت عقلانی برآمده از سیره صادقین (ع) اولاً از آثار رشد عقلانی متریبان ارتباط معنادار آن با تقویت ایمان و دینداری آنان خواهد بود، دوم آن که هیچ‌گونه تعارضی میان عقل و دین در تربیت عقلانی موجود نبوده و عقل، حجت و ابزاری واسطه‌ای برای ارتباط با معصومین و اولیاء الهی: است.

يَتَفَكَّرُ قَالَ يَمْرُ بِالْخَرِيبَةِ وَ بِالْبَادِيَةِ فَيَتَفَكَّرُ وَ يَقُولُ أَيْنَ سَاكِنُوكِ أَيْنَ بَانُوكِ مَا لِكِ لَأَنَّ تَتَكَلَّمِينَ

۱- عن الحسن الصيقل قال سألت أبا عبد الله (ع) عما يروى للناس -تفكر ساعة خير من قيام ليلة قال نعم قال رسول الله (ص) تفكر ساعة خير من قيام ليلة قلت كيف

7. Majlisi, Mohammad Baqir bin Muhammad Taqi. (1384). Baharalanwar, the book of reason and ignorance. Tehran: Islamic Bookstore.
8. Khoshkhooi, Mansour and Amini, Parivash. (1394). The necessity of intellectual training from the perspective of Islam. The Second National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies, Tehran.
9. Marzooqi, Rahmatullah and Safari, Yahya. (1386). Principles and methods of intellectual education from the perspective of Islamic texts, *Islamic education*, 5, 115-134.
10. Ibn Babawiyah, Muhammad Ibn Ali. (1395). Meanings of news. Translator: Hamidreza Sheikhi, Tehran: Armaghan Toobi.
11. Aghaei, Zeinab and Sharafi, Mohammad Reza. (1399). Rational education with emphasis on the anthropological and epistemological foundations of Allameh Tabatabai (RA), *Research in Islamic education*, 46, 77-102.
12. Dehghan Sorkhabadi, Seyedeh Mohadeseh and Keramati, Ansi. (1396). Educational methods in Razavi biography and its implications for intellectual training in Farhangian University. *Razavi Culture*, 17, 35-58.
13. Faqihi, Alireza and Torkashvand, Nasrin. (1396). An Inquiry into Rational Education. Analysis of the view of the Holy Quran and the thought of Imam Khomeini, *Knowledge*, 236, 27-31.
14. Iranmanesh, Fatemeh and Rostami Nasab, Abbas Ali. (1395). Methods of intellectual training in "Sahifa Sajjadih", *Maaref*, 228, 13-26.
15. Alavi, Seyed Hamidreza (1393). Rational education (according to the verses of the twenty-seventh part of the Holy Quran). *Research in Islamic Education*, 9, 45-68.

استکمال نفس رسیده و به مقام حکمت نائل خواهد شد. از دیگر سو دست‌یابی به کمالات معنوی و سعادت‌مندی در سیره صادقین^(ع) نتیجه تربیت عقلانی است. در واقع متربی با رشد یافتگی عقلانی به فهم و زیرکی و دقتی متفاوت دست خواهد یافت که این قدرت تشخیص سبب سعادت‌مندی خواهد شد.

پیشنهادات

- برخی پیشنهادات پژوهش که می‌تواند به محققان در جهت پژوهش در عرصه‌های تربیتی و سیره پژوهی یاری‌گری نماید عبارتند از:
۱. ارائه الگوی عملی تربیت عقلانی در نظام آموزشی ایران: راهنمایی برای عمل
 ۲. ارائه الگوی تربیت عقلانی مبتنی بر سیره معصومین:
 ۳. تبیین عناصر برنامه درسی تربیت عقلانی در سیره معصومین:
 ۴. اصول پرورش عقلانی متریبان مبتنی بر سیره معصومین:

References

The Holy Quran

1. Asadpour, Sara and Mazidi, Mohammad. (1393). Examining the forms of rationality and its functions in the curriculum. *Curriculum Research*, No. 4, 55-91.
2. Javadi Amoli, Abdullah (1388). *Tasnim*. Qom: Captives.
3. Shariatmadari, Ali. (1382). *Islamic education*. Tehran: Amirkabir Publications.
4. Yazdkhasti, Ali; Sarbandoni, Daniel and Zambil Baf, Mehdi. (1395). Rational education from the perspective of the Qur'an and the Imams. The Second International Conference on Applied Research in Educational Sciences and Behavioral Studies and Social Injuries in Iran.
5. Rashidi, Shirin. (1396). A study of the principles and methods of intellectual education based on the words of Imam Reza (AS). Master Thesis, Allameh Tabatabai University, Faculty of Educational Sciences and Psychology.
6. Ashuri, Maryam; Heidari, Mohammad Hossein and Bakhtiar Nasrabadi, Hassan Ali. (1392). Rational education from the perspective of Shahid Motahhari. *Knowledge*, 194, 101-114.

28. Khazaz Qomi, Ali Ibn Mohammad. (1401). the adequacy of the effect in the text on the Twelve Imams. Qom: Bidar Publications.
29. Tusi, Muhammad ibn Hassan (1414). Al-Amali, Qom: Dar Al-Thaqafa, Publishing and Distribution.
30. Harani, Hassan Ibn Ali Ibn Al-Hussein Ibn Shuba. (1404). Tuhif Aleuqul Qom: Islamic Publishing Institute, National Association of Teachers.
31. Mufid, Muhammad ibn Muhammad ibn Numan. (1414 AH). Correction of beliefs. Beirut: Dar Al-Mufid for printing, publishing and distribution.
32. Klini, Abu Ja'far Muhammad. (1367). Sufficient branches. Tehran: Islamic Library Publications.
33. Hor Ameli; Muhammad bin Hassan. (1387). Shiite means to study Sharia issues. Editor: Abdolrahim Rabbani Shirazi, Tehran: Islamieh.
34. Klini, Muhammad ibn Ya'qub (1364). Al-Rawdha is enough. Translated by Rasooli Mahalati, Tehran: Islamic Science Publishing.
16. Fairness of kindness, dawn and circle, Masoumeh. (1393). A Comparative Study of Rational Education from the Perspective of Imam Ali (AS) and John Dewey, Philosophy and Child Quarterly, Vol. 7, pp. 83-110.
17. Shokoohi Yekta, Mohsen. (1380). Islamic education (principles and methods). Tehran: Iran Publishing Company.
18. Jafari, Mohammad Taqi (1374). Translation and interpretation of Nahj al-Balaghah. Tehran: Publications of the Office of Islamic Culture and Thought.
19. Ibn Manzoor, Muhammad is honored. (1410). From the Arabian Peninsula. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarathiyya Al-Arabiya: Founded by Al-Tariqah Al-Arabiya.
20. Ragheb Isfahani. (1369). Vocabulary in the stranger of the Qur'an. Research of Seyed Gholamreza Khosravi. Tehran: Mortazavi Publications.
21. Tarihi Fakhruddin bin Muhammad. (1387). Bahrain Assembly. Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
22. Ibn Shaba Hassan Ibn Ali. (1378). Text and translation of the gift of the intellect on the part of the Prophet. Translator: Behrad Jafari, Tehran: Sadough.
23. Ibn Shuba Hassan Ibn Ali. Tuhif Aleuqul (1395). Editor: Seyyed Baqir Mir Abdollahi, Qom: Dar Al-Hadith Cultural Institute.
24. Mazaheri, Hussein (1394). Control factors in human life. Tehran: Zikr.
25. Clini, Abu Ja'far Muhammad ibn Ya'qub ibn Ishaq (1388). Al-Kafi, Translator: Ali Akbar Ghaffari. Tehran: Islamic Library.
26. Saffar, Muhammad ibn Hassan. (1392). See the degrees in the virtues of the family of Muhammad. Translator: Mohammad Farboudi, Tehran: Holy Message.
27. Tabarsi, Ahmad Ibn Abi Talib (1403 AH). Protest. Holy Mashhad: Morteza Publishing.